



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا ابي القاسم المصطفى محمد و
آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين سيما بقيه الله في الارضين.

خیلی خوش آمدید، خیلی خرسند بودیم امروز، واقعاً استفاده کردیم؛ بحمدالله این دایره‌ی مبارک انس با قرآن و تلاوت قرآن روز به روز در کشور ما توسعه‌ی بیشتری پیدا میکند و این از برکت انقلاب و نظام اسلامی است. البته امسال مادر غم فقدان این عزیزانی که عکسشان اینجا است (۱) - به نظر همه‌شان سال گذشته اینجا بودند، با ما بودند، بعضیشان خواندند، تشویقشان کردیم، تأییدشان کردیم - امیدواریم ان شاء الله خدای متعال این عزیزان را در جوار قرآن، در سایه‌ی قرآن، با شفاعت قرآن به مراتب عالی‌ه‌ی رحمت و غفران خودش برساند؛ به بازماندگان‌شان صبر بدهد؛ و حج نیمه تمام آنها را به تمامی و به بهترین وجه مورد قبول قرار بدهد.

○ زیبایی قرآن فقط در معانی و معارف قرآن نیست

زیبایی قرآن فقط در معانی و معارف قرآن نیست؛ الفاظ قرآن هم زیبا است. همین زیبایی لفظی موجب شد که آن کسانی که دل‌هایشان را قفل زده بودند و بر روی قرآن بسته بودند و حاضر نبودند مفاهیم قرآن را در هنگام نزول بفهمند و ببینند و استفاده کنند و قبول کنند، همان‌ها هم در مقابل زیبایی معجز آسای این الفاظ در ماندند؛ با این دیگر کاری نمیتوانستند بکنند. الفاظ قرآن، آهنگ قرآن، شیوه و سبک قرآن، خودش یک معجزه است. قرآن شعر نیست، نثر هم نیست؛ چیزی است که نه شعر است، نه نثر است اما هم زیبایی بهترین شعر را و هم زیبایی بهترین نثر را دارد. وزن هم گاهی در بعضی از آیات قرآن هست اما زیبایی لفظی قرآن با وزن نیست؛ آنجایی که وزنی هم وجود ندارد زیبایی و لفظ قرآن، انسان را مجذوب میکند؛ تعبیر «مسحور» درست نیست اما باید بگوییم دل انسان را میرباید. این جوهری است.

○ هر چه که لفظ قرآن زیبا است، هزار برابر معنا و معارف قرآن زیبا تر است

خب، از این زیبایی باید به عنوان ابزار استفاده کرد؛ مقصود از قرآن، این نبود که کلام زیبایی را ارائه کند تا فصحاء و بلغاء و شعرا و مانند این‌ها در مقابل آن تصدیق کنند و به زانو در بیایند و مجبور بشوند بگویند این خوب است، زیبا است؛ مقصود این نیست فقط؛ مقصود این است که ما از این دریچه، از دریچه زیبایی، خودمان را برسانیم به آن فضای بوستان پُر برکت و پُر شکوه معارف قرآنی؛ مقصود این است. هر چه که لفظ قرآن زیبا است، هزار برابر - حالا من هزار را به عنوان یک حرف رائج عرض میکنم؛ شاید هزاران برابر، ما که قادر به اندازه‌گیری نیستیم - معنای قرآن و معارف قرآن زیبا تر است. چه کسی آن را میفهمد؟ آن کسی که تدبّر کند، در دل را باز کند، این حقایق را به دل راه بدهد. در هر عصری، در هر زمانی، اگر انسانی که با مسائل زندگی سروکار دارد و مسائل زندگی برایش مهم است، با قرآن این جور

ارتباط نزدیک داشته باشد، معجزه‌ی قرآن را درمی‌یابد؛ بعضی کمتر بعضی بیشتر؛ در بعضی زمانها کمتر در بعضی زمانها بیشتر.

○ اگر گوش جان را در اختیار قرآن بگذاریم...

به نظر من معجزه‌ی معارف قرآنی را اگر ما اهل دل باشیم «لَمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَ هُوَ شَاهِدٌ» (۲) اگر اهل دل باشیم، اگر گوش جان را در اختیار قرآن بگذاریم، ما امروز بیشتر میتوانیم به معجزیت قرآن پی ببریم از آنهایی که هزار سال قبل بودند. در این دنیای پیچیده، در این دنیای طوفانی، در این دنیای سرشار از معضلات - این قدرتها، این پیشرفت علمی - اینجا است که قرآن وقتی وارد میدان میشود، وقتی حرف میزند «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ»، آدم این را حس میکند که واقعاً «يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ» (۳).
خب، [از خواندن] شما خوش خوان‌ها - که امروز من واقعاً لذت بردم از خواندن [شما]؛ چه خواندن‌های فردی، چه خواندن جمعی، چه این آهنگهایی که اجرا کردند - واقعاً انسان قلباً لذت معنوی میبرد؛ و دو لذت: یک لذت از خود این خواندن‌ها و تلاوتها و صداها و اجراها؛ یک لذت - که برای بنده‌ی حقیر این لذت دوم بالاتر از لذت اول است - لذت مشاهده‌ی رشد روز به روز قرآنی‌های کشور. بیست سال پیش این خبرها نبود، سی سال پیش این خبرها نبود، قبل از انقلاب اصلاً این خبرها نبود که جوان ما، میان سال ما، کودک ما، نوجوان ما، در راه قرآن، در راه حفظ، در راه شیوه‌های تلاوت [باشند].

○ قرآن را با آوازه‌خوانی اشتباه نگیرید

خب، این زیبایی‌هایی که امروز شما آفریدید - و هر چه میتوانید بیشتر از این بیافرینید، باید بیافرینید - اینها باید در چپه‌ای باشد به سمت معارف قرآن؛ ما را باید آشنا کند و مانوس کند با قرآن. قرآن را با آوازه‌خوانی اشتباه نگیرید؛ آوازه‌خوانی یک مقوله‌ی دیگر است؛ البته الان متأسفانه در خوانندگان مصری کسانی هستند که تالی قرآن‌دما آواز می‌خوانند، آوازه‌خوانی

میکنند؛ هستند. آن قراء نسلهای قبل - مثل شیخ مصطفی اسماعیل، مثل شیخ عبدالفتاح شعشائی، حتی مثل محمد رفعت - این بزرگان همه موسیقی دان بودند اما قرآن را با آهنگ و الحان قرآنی میخواندند؛ نمیگذاشتند با الحان کاباره‌ای و نمیدانم موسیقی‌های مبتذل مخلوط بشود. امروز بعضی‌ها این ملاحظات را ندارند؛ آدم میبیند در آنها. این زیبایی‌ها باید ما را به قرآن نزدیک بکند؛ باید انس ما را با قرآن زیاد کند.

○ ما باید در کشور جلسه‌ی تلاوت قرآن داشته باشیم

یکی از کارهایی که خیلی خوب است در کشور انجام بگیرد - البته کم‌وبیش هست، قبل از انقلاب هم به یک شکلی بود؛ بعد از انقلاب البته بهتر است و به یک شکل بهتری وجود دارد لکن باید رواج پیدا کند - این است که ما جلسه‌ی تلاوت قرآن داشته باشیم. قبل از انقلاب خب جلسه‌ی دوره و قرآن داشتیم؛ بنده خودم آن وقتها چندین جلسه‌ی این جور تشکیل میدادم و حضور پیدا میکردم و دیده بودم و شرکت کرده بودم؛ آن منظور نیست؛ آن جلسات برای تعلیم قرآن بود؛ یکی یکی میخواندند، تعلیم پیدا میکردند. منظور از جلسه‌ی تلاوت قرآن این است که جلسه‌ای تشکیل بشود، افراد حاضر بشوند، قاری قرآن بنشیند آنجا یک ساعت - کمتر یا بیشتر - قرآن بخواند؛ مستمعین [هم] فقط برای شنیدن قرآن بیایند آنجا بنشینند؛ بیایند بنشینند و قرآن را بشنوند. این خیلی مؤثر است. این از خواندن خود انسان هم در مواردی تأثیرش بیشتر است. بعضی هستند که معانی قرآن را میفهمند، معانی این کلمات را میفهمند. ما البته - غیر عربها - این بداقبالی را داریم که زبانمان زبان قرآن نیست؛ عربها زبانشان زبان قرآن است؛ وقتی که قاری روی یک جمله‌ای تأکید میکند و آن را تکرار میکند و دوبار سه بار پنج بار میگوید، آنها همه متوجهند که او چه دارد میگوید. اگر بخواهیم یک تشبیه ناقصی بکنیم، فرض بفرمایید مثل این جملاتی که از گلستان سعدی

مثلاً در ذهن همه‌ی ماها هست؛ مثلاً فرض کنید «آن را که حساب پاک است از محاسبه چه پاک است» را وقتی بگویند، همه میفهمند، گوش میکنند. جملات قرآنی که هزاران برابر حکمتش بیشتر است - هم کماً، هم کیفاً - وقتی قاری آن را میخواند، مستمع عرب این را درک میکند؛ [اما] مستمع غیر عرب ممکن است بفهمد، ممکن است نفهمد. سعی کنیم اولاً بازبان قرآن آشنا بشویم؛ بازبان قرآن خودمان را آشنا کنیم؛ این یکی از امتیازاتی است که اگر چنانچه این را بتوانیم تأمین کنیم در جامعه‌ی خودمان [خوب است]؛ روی این در قانون اساسی ما در قوانین اولی انقلاب تأکید شده، روی این تکیه شده که ما باید زبان عربی را - که زبان قرآن است - یاد بگیریم. آنهایی هم که حالاً ندارند این امکان را یا نمیتوانند، خیلی خوب قرآن را جلویشان باز کنند، این قاری شروع کند قرآن خواندن - حالا اینجا قرآی ما مثلاً ده دقیقه، دوازده دقیقه میخوانند، آنجا یک ساعت بخوانند؛ یک ساعت، سه ربع ساعت، یک نفر یا دو نفر، قرآن بخوانند، تلاوت کنند، با صوت خوش، با همین شیوه‌های قرائتی دارای زینت تلاوت - و افراد حاضر باشند، قرآن را باز کنند، اگر معنایش را نمیفهمند ترجمه را نگاه کنند و گوش کنند به آنچه که او [میخواند]. این از جمله‌ی چیزهایی است که معارف قرآن را در کشور توسعه میدهد: جلسات قرآن؛ اصلاً جلسه برای قرآن. مثل اینکه جلسه برای محبت اهل بیت (علیهم‌السلام) میگذاریم - جلسه‌ی مرثیه یا جشن برای ائمه (علیهم‌السلام) - یکی از دو ثقل، اهل بیت هستند، یک ثقل دیگر هم قرآن است؛ جلسه برای قرآن بگذارید. این از جمله‌ی کارهایی است که اگر ان شاء الله انجام بگیرد و رواج پیدا کند و شما قرآنی‌ها - این کار، کار شما است - همت کنید و یک چنین مجالسی تشکیل بدهید، سرعت رشد حرکت قرآنی در کشور را افزایش خواهد داد و [مردم را] آشنا خواهد کرد.

● امروز دنیا محتاج قرآن است

و بدانید عزیزان من! امروز دنیا محتاج قرآن است؛ چه قبول کند و اعتراف کند و چه اعتراف

نکند. امروز دنیا در خلأ هویتی است، در خلأ فکری است، در خلأ ایمانی است؛ انسان بی ایمان مثل یک میوه‌ی پوک و از درون خالی میماند. اینکه شما می بینید قتل و جنایت در کشورهای غربی روز به روز زیاد میشود به خاطر این است، یکی از عللش این است؛ اینکه می بینید خودکشی زیاد میشود، یکی از عللش این است. بشر دیگر متاعی برای قانع کردن ذهن و دل و جان انسانها ندارد که ارائه کند. میگویند، میبافند، اما در دلهای مردم قبول پیدا نمیکند. قرآن چرا. اگر چنانچه رشحهای از رشحات قرآن - نه کل قرآن، [فقط] یک رشحهای از رشحات قرآن - با بیان متناسب امروز فرستاده بشود، دلها جذب میشود؛ ما خودمان این را داریم تجربه میکنیم، این را داریم می بینیم؛ امروز بشر، محتاج قرآن است.

○ قرآن در دنیای امروز میتواند فعال مایشاء باشد

و قرآن در دنیای امروز میتواند فعال مایشاء باشد؛ میتواند کار بکند، میتواند پیش برود. قدرتها و ابر قدرت‌ها و بمب اتم و رژیم صهیونیستی و امثال اینها، هیچ غلطی نمیتوانند بکنند؛ مهم این است که ما پایه‌های ایمانی قرآنی خودمان را روز به روز مستحکم‌تر کنیم، و زبان انتقال قرآن را بلد بشویم و مفاهیم قرآن را منتقل کنیم؛ مثل یک داروی مقوی که شما یک قطره‌اش را در یک لیوان میریزید میدهید طرف میخورد و استفاده میکند؛ [اما] اگر پنج قطره به جای یک قطره ریختید ممکن است ضرر کند و نتواند هضم کند؛ آن زبان مناسب را باید پیدا کرد؛ منتها ما باید خودمان را اشباع کنیم، دلهايمان را اشباع کنیم، روحمان را اشباع کنیم و پُر کنیم از معارف قرآنی؛ ما خودمان هم خیلی محتاجیم.

○ برکات قرآن برکات بی‌انتهایی است

برکات قرآن در این چیزهایی که بنده با بیان قاصر عرض کردم، محدود نمیشود؛ برکات قرآن برکات بی‌انتهایی است. در قرآن و باقرآن عزت هست، قدرت هست، پیشرفت هست، رفاه مادی هست، تعالی معنوی هست، گسترش فکر و عقیده هست، شادی و سکینه‌ی

روح هست؛ سکینه و آرامش روح؛ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالزَّمَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا. وقتی که آن آرامش دینی و آن سکینه‌ی دینی آمد، تقوا زیاد میشود: هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزِدُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ؛ این سکینه و آرامش موجب میشود ایمان انسان روز به روز افزایش پیدا کند؛ ایمان به چه؟ ایمان به خدا، ایمان به قدرت الهی؛ دنبالش میگوید: وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ؛ همه چیز دست خداست، همه چیز لشکر خداست. در یک جای دیگر [میگوید]: وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ؛ هیچ کس جز خود او، قادر به شمارش جنود الهی نیست. قرآن این است: یک قدرت فوق العاده و بی انتها که ما به قدر ظرفیت خودمان باید بتوانیم ان شاء الله از آن استفاده بکنیم.

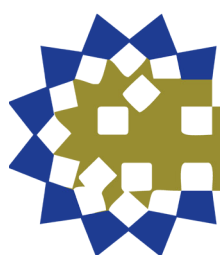
به هر حال امیدواریم خداوند شماها را حفظ کند، شما جوانها را حفظ کند؛ خدا شما جوانها را به ما ببخشد ان شاء الله، محفوظ باشید و پای قرآن بایستید و ان شاء الله قرآنی زندگی کنید و قرآنی دنیا را ترک کنید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

(۱) قاریان: حسن دانش، محسن حاجی حسنی کارگر، محمدسعید سعیدی زاده، امین باوی، فؤاد مشعلی

(۲) سوره‌ی ق؛ بخشی از آیه‌ی ۳۷

(۳) سوره‌ی اسراء؛ بخشی از آیه‌ی ۹



دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای

KHAMENEI.IR